

رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه

رضوان حجازی^{۱*}

حمیدرضا مختاری نژاد^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۰۲

چکیده

هدف از این تحقیق تعیین رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه است. احتمال گزارشگری مالی متقلبانه بر اساس مدل تعدیل شده آتمن Z-Score اندازه گیری شده است. برای این منظور ۱۰۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۵ ساله (۱۳۹۰-۱۳۹۴) مورد بررسی قرار گرفته است. برای آزمون فرضیه های تحقیق و بررسی وجود رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون چند متغیره با مدل اثر ثابت و روش حداقل مربعات وزنی در نرم افزار 9 Eviews استفاده شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد بین تخصص اعضاء هیات مدیره، اثربخشی کمیته حسابرسی و اثربخشی اعضاء غیرموظف مستقل هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی وجود دارد. یعنی ساختار حاکمیت شرکتی اثر بخش، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش می دهد و اعتبار گزارشگری مالی را افزایش می دهد. نتایج نشان می دهد بین اهرم مالی (نسبت بدهی) و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معنی داری وجود دارد. علاوه بر این اندازه هیات مدیره و اندازه شرکت بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه تاثیر معنی داری ندارد.

واژه های کلیدی: ساختار حاکمیت شرکتی، تخصص اعضاء هیات مدیره، اثر بخشی کمیته حسابرسی، اثربخشی اعضاء غیر موظف مستقل هیات مدیره، گزارشگری مالی متقلبانه.

^۱ استاد حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران. (نویسنده مسئول مکاتبات) hejazi33@gmail.com
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی ارشد دماوند واحد تهران. تهران. ایران. hr.mokhtari57@gmail.com

۱- مقدمه

در سال های اخیر محیط تجارت و اقتصاد ایران شاهد تغییرات و تحولات قابل ملاحظه بازار سرمایه و گسترش شرکت های سهامی و به تبع آن افزایش تعداد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بوده است؛ با پیدایش تئوری نمایندگی و جدایی ناگزیر مالکیت از مدیریت، ضرورت توجه به مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر پیشگیری از تقلب و عوامل بازدارنده از خطر وقوع آن با هدف گزارشگری مالی مطلوب شرکت ها مطابق با شاخص های حاکمیت شرکتی و سیاست های کلی اقتصادی کشور یعنی شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت ها و زمینه های فسادزا در بازار سرمایه و ... را فراهم نموده است. یکی از اهداف گزارشگری مالی، ارائه اطلاعاتی است که برای سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و دیگر کاربران فعلی و بالقوه در تصمیم گیری های مربوط به سرمایه گذاری و اعتبار دهی و سایر تصمیم ها، سودمند باشد (سپاسی و حسنی، ۱۳۹۵). طبق استاندارد حسابداری مسئولیت تهیه و ارائه صورت های مالی با هیأت مدیره یا سایر ارکان اداره کننده واحد تجاری است (استاندارد حسابداری شماره ۱، بند ۷). از طرفی مسئولیت اصلی پیشگیری و کشف تقلب با مدیران اجرایی و ارکان راهبری واحد تجاری است (استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰، بند ۴). با این افزایش اختیارات در ساختار راهبری شرکت ممکن است مدیران دست به رفتارهای فرصت طلبانه زده و تصمیماتی را اتخاذ نمایند که در جهت منافع شخصی خود و عکس منافع سهامداران باشد و یا بالعکس جهت منافع سهامداران یا جهت حفظ آبروی شرکت و حذف نشدن از تابلوی بورس اوراق بهادار باشد.

بخشی از تأکید پژوهش ها و منابع علمی به رسوایی های شرکتی و فرورپاشی شرکت های بزرگ در ایالات متحده از جمله انرون، ورلدکام، تایکو و سان بیم و همچنین رسوایی چند شرکت در اروپا از جمله ویوندی در فرانسه، اهلود در هلند، پارمالات در ایتالیا و آ.ب.ب در سویس و سوئد و... بر اثر تقلب های موجود در گزارشگری مالی به دلیل نقش کم رنگ راهبری شرکتی مربوط می شود (مشایخی و شاکری، ۱۳۹۳). بررسی علل و آسیب شناسی فرورپاشی برخی از شرکتهای بزرگ که زیان های کلانی به ویژه برای سهامداران داشته است مشخص نمود ناشی از ضعف سیستمهای حاکمیت شرکتی آنان بوده است (شورورزی و همکاران، ۱۳۹۴). به علت مکانیزم های ضعیف یا توسعه نیافته حاکمیت شرکتی در ایران، تحقیق در مورد نقش این مکانیزم ها، که اثر بخش بودن آن در حل مسائل نمایندگی همچون بسیاری از کشورهای توسعه یافته محقق شده است حائز اهمیت می باشد. لذا تصمیم بر آن شد در جهت حمایت از منافع سرمایه گذاران، ضرورت برپایی نظام راهبری شرکتی مناسب و اثربخش، پیشگیری از خلاف کاری های بالقوه و

بهبود کیفیت گزارشگری مالی در نتیجه افزایش اعتماد سهامداران به بررسی این مسئله یعنی رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه پرداخته شود.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رخداد‌های اخیر حسابداری در جهان و بررسی روند گزارشگری در ایران و سایر کشورها نشان دهنده قصورات اخلاقی در این حرفه است (سپاسی و حسنی، ۱۳۹۵). از مسائل مهمی که به دلیل رسوایی‌های گسترده مالی دهه‌های اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته و به عنوان یکی از موضوعات مهم برای سرمایه‌گذاران مطرح شده موضوع حاکمیت شرکتی است (امیر آزاد و همکاران، ۱۳۹۳). رشد فزاینده تقلب در شرکت‌های بزرگ نشان می‌دهد که مکانیزم‌های پیشگیری و بازدارندگی از وقوع تقلب باید توسط سازمان‌ها تأکید و اولویت بندی گردد (رزالی و ارشد^۱، ۲۰۱۴). در کشور ما در چند سال اخیر کوشش‌هایی برای شناساندن ماهیت نظام حاکمیت (راهبری) شرکت‌ها و اهمیت آن در بعد نظارت بر بنگاه‌های اقتصادی صورت پذیرفته است (پور حیدری و همتی، ۱۳۸۳). سازمان بورس اوراق بهادار در راستای بهبود کیفیت گزارشگری مالی تلاش‌هایی انجام داده است. شاید جدی‌ترین گام برداشته شده در این راه، مربوط به تصویب دستورالعمل سامانه‌های کنترل داخلی ناشران پذیرفته شده در بورس و فرا بورس در ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ می‌باشد. در اواخر سال ۱۳۹۱ سازمان بورس اوراق بهادار، منشور کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی را تصویب کرد تا در عزم خود به سمت استقرار نظام راهبری شرکتی، مصمم‌تر باشد (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). علاوه بر آن در اردیبهشت ۱۳۹۲، پیش‌نویس دستورالعمل راهبری شرکتی برای شرکت‌های بورسی و فرا بورسی جهت نظر خواهی عمومی در سامانه اطلاعاتی بورس اوراق بهادار قرار گرفت. در نهایت باید عنوان داشت که علی‌رغم قدمت نسبی راهبری شرکتی در ایران، این مفهوم به لحاظ قانونی در این کشور هنوز بسیار جوان است و نیازمند تدوین و تصویب یکسری قوانین و مقررات مناسب و نیز نظارت بر اجرای آنها توسط نهادهای ناظر می‌باشد (مشایخی و شاکری، ۱۳۹۳). دستورالعمل راهبری شرکتی مذکور پس از ۴ مرحله ویرایش از مصادیق بارز این گونه مقررات می‌باشد. با این وجود این مطالعه انتظار دارد که تلاش‌های نظارتی مختلف در افزایش اثربخشی ساختار حاکمیت شرکتی در ایران به یک رابطه منفی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه و تأثیر مثبت در افزایش کیفیت و اعتبار گزارشگری مالی منجر شود.

¹ Razali & Arshad

■ ساختار حاکمیت شرکتی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه

ساختار راهبری شرکتی توزیع حقوق و مسئولیت ها بین فعالان مختلف سازمان از جمله هیئت مدیره، مدیران اجرایی، سهامداران و دیگر ذینفعان را مشخص کرده و قواعد و رویه هایی را برای تصمیم سازی مشخص می کند (مشایخی و شاکری، ۱۳۹۳). هنگامی که مدیریت، قدرت اجرایی و اختیارات نامحدود و در نتیجه این امکان را داشته باشد که تصمیمات سرمایه گذاری، عملیاتی و اعطای پاداش را به تنهایی و به صورت مستقل اتخاذ نماید، نشان دهنده وجود ضعف در ساختارهای حاکمیت شرکتی است (خلیفه سلطانی و همکاران، ۱۳۹۳). از طرفی در بسیاری از تخلفات اخیر در شرکت های بزرگ، ساختار حاکمیت شرکتی به عنوان یک ابزار نظارت موثر برای جلوگیری از گزارشگری مالی متقلبانه تعیین شده است (لا، ۲۰۱۱). طبق استاندارد حسابرسی، گزارشگری مالی متقلبانه مستلزم تحریف های عمدی، از جمله حذف مبالغ یا موارد افشا در صورتهای مالی، به منظور فریب دادن استفاده کنندگان صورتهای مالی است. گزارشگری مالی متقلبانه ممکن است به روشهای دستکاری، سند سازی (از جمله جعل) یا تغییر سوابق حسابداری یا مستندات پشتوانه تهیه صورتهای مالی؛ ارائه نادرست یا حذف عمدی معاملات، سایر رویدادها یا سایر اطلاعات عمده در صورتهای مالی؛ بکارگیری نادرست استانداردهای حسابداری در رابطه با مبالغ، طبقه بندی، نحوه ارائه، یا موارد افشا به صورت عمدی انجام شود (استاندارد حسابرسی ۲۴۰، بندهای ۲ و ۳ توضیحات کاربردی). گزارشگری مالی متقلبانه منجر به ارائه اطلاعات ناصحیح به بازار می شود و بر کارایی بازار در تخصیص منابع اثر می گذارد که پیامد آن سلب اعتماد سرمایه گذاران از بازار خواهد بود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳). در گزارشگری مالی متقلبانه، مدیران اجرایی اغلب کنترلهایی را زیر پا می گذارند که در شرایط معمول، دارای اثربخشی کارکرد هستند. (استاندارد حسابرسی ۲۴۰، توضیحات کاربردی بند ۴). جلوگیری از بروز چنین شرایطی مستلزم اعمال حاکمیت صحیح سهام داران از طریق نظارت دقیق بر مدیریت اجرایی و حسابرسی منظم شرکت ها است که در مجموع تحت عنوان فرآیند حاکمیت شرکتی شناخته می شود (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹). سوالی که پیش می آید این است که در ساختار حاکمیت شرکتی چه افرادی ممکن است مرتکب تقلب در گزارشگری مالی شوند؟

بیشتر موارد مطالعه شده حاکی از این است که مدیر عامل، اعضای هیئت مدیره و مدیران مالی نقش بیشتری در ایجاد تقلب داشته اند. در تحقیقی که توسط انجمن خبره بررسی کنندگان تقلب در سال ۲۰۰۴ صورت گرفت، مشخص شد که ۸۳ درصد از موارد تقلب بررسی شده، توسط

¹ Law

مدیران اجرایی شرکت انجام گرفته است. ارنست و یانگ^۱ (۲۰۰۳) دریافتند که بیش از نصف افرادی که مرتکب تقلب در گزارشگری مالی می شوند از گروه مدیریت شرکت هستند. کمیته سازمانهای حامی کمیسیون تردوی^۲ در گزارشی تحت عنوان «تقلب در گزارشگری مالی» که در سال ۱۹۹۹ منتشر شد عنوان کرد که ۷۲ درصد از موارد تقلب، مورد بررسی توسط مدیر عامل و ۴۲ درصد توسط مدیر مالی صورت گرفته است (صفرزاده، ۱۳۸۹). برای مثال در انرون در بیشتر مواقع رئیس هیأت مدیره، سمت مدیرعامل را نیز بر عهده داشت. در پال مارت نیز مدیر مالی به طور همزمان عضو کمیته حسابرسی داخلی بود و از ۱۳ نفر عضو هیأت مدیره این شرکت تنها ۳ نفر آن ها عضو غیرموظف بودند (خلیفه سلطانی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین در پارمالات علاوه بر ارقام ترازنامه ساختگی، هیات مدیره ضعیف و وابسته خانوادگی، رییس هیات مدیره همزمان مدیرعامل، عدم استقلال کافی حسابرسان نسبت به سهامداران عمده، ضعف اصول حاکمیت شرکتی کشور ایتالیا در مورد اشخاص وابسته و تغییر پی در پی مدیران ارشد مالی وجود داشته است (امیدوار و مومن زاده، ۱۳۹۳). که همه این موارد ناشی از عدم حضور یک سیستم راهبری شرکتی مسئول، هوشیار و اثر بخش می باشد.

تحقیق در مورد مولفه های (وجود، اجرا و اثربخشی) حاکمیت شرکتی نشان می دهد که بعد اثربخشی بیشترین تاثیر را در کاهش سطح تقلب دارد (اینیرات^۳، ۲۰۱۵). راهبری اثربخش موجب می شود پیامدهای نامناسب ناشی از تضاد منافع بین مدیران و مالکان، نظیر سوء استفاده از قدرت، کاهش یابد (امیرآزاد و همکاران، ۱۳۹۳). اثربخشی ساختار حاکمیت شرکتی، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش می دهد و در افزایش اعتبار گزارشگری مالی اهمیت دارد (رزالی و ارشد، ۲۰۱۴). لذا در این پژوهش امید است تا ارتباط بین ساختار حاکمیت شرکتی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه، با تشریح عناصر اصلی این مطالعه در خصوص ساختار حاکمیت شرکتی به طور خاص ویژگی های هیات مدیره (اندازه هیات مدیره و تخصص اعضا هیات مدیره) و اثربخشی دو مکانیزم حاکمیت شرکتی (اثر بخشی کمیته حسابرسی و اثر بخشی اعضای غیرموظف هیات مدیره) درک بهتری در زمینه تأثیر آنها بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه به دست آوریم و یافته های این پژوهش بتواند به انجام مطالعات و تحقیقات بیشتر در این زمینه کمک کند.

1. Ernest & Yang

2. Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission

3. In'airat

■ اندازه هیأت مدیره در حاکمیت شرکتی

اندازه هیأت مدیره به عنوان عنصری با اهمیت در ویژگی های هیأت مدیره مطرح است (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۷). تعداد اعضای هیئت مدیره باید به میزانی باشد که امکان انجام بحث های سودمند و تصمیم گیری منطقی و همچنین نظارت کافی در ارتباط با امور شرکت فراهم باشد (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۲). در رابطه با نظارت موثر بر اساس اندازه هیئت مدیره، نتایج مختلفی ارائه شده است. از نظر فاما و جنسن^۱ (۱۹۸۳)، هیئت مدیره کوچک موثرتر است، زیرا مدیریت آن آسان است و می توان ارتباط موثرتری میان مدیران برقرار کرد (الزوبی و سلامت^۲، ۲۰۱۲). آندرس و همکاران^۳ (۲۰۰۵) معتقدند که هیئت مدیره بزرگ، کمتر می تواند در نظارت بر عملکرد موثر واقع شود. علاوه بر این وافیاس^۴ (۲۰۰۶) بیان می کند که انتظار می رود اندازه هیئت مدیره خیلی کوچک یا خیلی بزرگ اثر بخش نباشد و بر اساس این استدلال در هیئت مدیره بزرگ، مدیران مسئولیت کمتر و در هیئت مدیره کوچک، مدیران تعهدات بیش از حد دارند (رزالی و ارشد، ۲۰۱۴). تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت های بزرگ، طبق اعلام سازمان بورس و اوراق بهادار، حداقل هفت نفر می باشد (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۲). از طرفی طبق ماده ۱۰۷ قانون تجارت ایران عده اعضای هیئت مدیره در شرکتهای سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد (منصور، ۱۳۹۵). که این حداقل هفت نفر تعداد اعضای هیئت مدیره ناقص پنج نفر حداقلی مصوب ماده ۱۰۷ قانون تجارت ایران می باشد.

■ تخصص (دانش مالی) هیات مدیره در حاکمیت شرکتی

در ترکیب هیات مدیره، باید حداقل یک عضو مستقل مالی یا غیرموظف مالی حضور داشته باشد که دارای تحصیلات مالی (حسابداری، مدیریت مالی، اقتصاد، و سایر رشته های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصاد) و تجربه مرتبط باشد (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۲). اعضای بدون تجربه در دانش حسابداری یا مالی، توانایی کم تری در کشف مشکلات موجود در گزارشگری مالی دارند. همچنین وجود یک عنصر مالی با تجربه می تواند باعث شود دیگر اعضا حساس و هوشیار باشند. نتایج تحقیق اریکسون و دیگران^۵ (۲۰۰۵) نشان می دهد که هیات مدیره ی دارای دانش مالی و حسابداری، نظارت کارآتری بر مدیریت شرکت دارد (بحری ثالث و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین وقتی عضو متخصص در ترکیب هیات مدیره افزایش می یابد احتمال

1. Fama & Jensen
2. Alzoubi and Selamat
3. Andres and et al
4. Vafeas
5. Erickson and et al

تقلب صورت های مالی با استفاده از مکانیزم نظارت و نظارت مستمر کاهش می یابد (زینال و همکاران^۱، ۲۰۱۳). نتایج نشان می دهد عامل کاربرد دانش بیشترین تاثیر پیش بینی و معنی دار را بر روی کاهش تقلب گزارشگری مالی دارد (ابراهیمی و طالب نیا، ۱۳۹۳).

■ اثربخشی کمیته حسابرسی در حاکمیت شرکتی

اثربخشی کمیته حسابرسی به عواملی همچون ماهیت مسئولیت کمیته حسابرسی و شخصیت اعضای آن بستگی دارد (کلین^۲، ۲۰۰۲). از نظر مورو^۳ (۲۰۰۷) قدم اصلی در سنجش میزان اثربخشی فعالیت کمیته حسابرسی، وجود یک اساسنامه و یا منشور فعالیت است (ساسانی و شریفی راد، ۱۳۹۲). طبق ماده ۵ منشور کمیته حسابرسی شرکت نمونه (سهامی عام)، کمیته حسابرسی از ۳ تا ۵ عضو که اکثریت آن ها مستقل^۴ و تخصص مالی^۵ دارند با انتخاب و انتصاب هیئت مدیره تشکیل می شود^۶ (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۱). استقلال کمیته حسابرسی سنگ بنای اثربخشی کمیته حسابرسی است. تخصص و مهارت اعضای کمیته حسابرسی، یکی دیگر از ویژگی های کمیته حسابرسی است که با اثربخشی کمیته حسابرسی ارتباط تنگاتنگی

1. Zainal and et al

2. kelin

3. Morrow

۴. عضو مستقل: عضوی است فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیم که بر تصمیم گیری مستقل وی اثرگذار باشد، موجب جانبداری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذی نفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد.

۵. تخصص مالی: مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه ای داخلی یا معتبر بین المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد، سایر رشته های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت ها و گزارش های مالی و کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی.

۶. به عنوان مثال، با توجه به شرایط ماده ۶، ترکیب اعضای کمیته حسابرسی در دو حالت ۳ و ۵ نفر، می تواند به شرح جدول زیر باشد:

اندازه کمیته حسابرسی	رئیس کمیته (عضو مستقل یا غیرموظف مالی هیئت مدیره)	سایر اعضای غیرموظف هیئت مدیره	افراد مستقل دارای تخصص مالی خارج از شرکت
کمیته دارای ۵ عضو:	یک نفر	یک نفر	سه نفر
کمیته دارای ۳ عضو:	یک نفر	-	دو نفر

دارد (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی قابلیت کنترل آنها را افزایش می دهد و به نوبه خود کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می دهد (الزویی و سلامت، ۲۰۱۲). لذا نظارت جامع و اثر بخش کمیته حسابرسی، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش می دهد (لا، ۲۰۱۱).

■ اثر بخشی اعضاء غیرموظف مستقل هیات مدیره در حاکمیت شرکتی

از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرموظف مستقل در هیأت مدیره شرکت ها و عملکرد نظارتی آنان به عنوان افرادی مستقل؛ به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران شرکت کمک شایانی می کند (شیپر و وینسنت^۱، ۲۰۰۳). از نظر سیلادی^۲ (۲۰۰۶)، مدیر غیر موظف، یک فرد خارج از سازمان و به عنوان یک "مدیر مستقل" شناخته شده است. اعتقاد بر این است که مدیر مستقل تحت کنترل و فشار درون سازمانی شرکت قرار نمی گیرد (رزالی و ارشد، ۲۰۱۴). طبق پیش نویس دستورالعمل راهبری شرکتی، اکثریت اعضای هیئت مدیره باید غیرموظف^۳ باشند و تعداد اعضای مستقل^۴ هیئت مدیره نباید کمتر از ۲۰ درصد تعداد کل اعضای هیئت مدیره باشد.^۵ عضو مستقل هیئت مدیره و نماینده وی نباید به فعالیتها یا معاملاتی اقدام نمایند که استقلال آنها مخدوش شود (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۲). از نظر چپل و همکاران

1. Schipeer & Vincent

2. Siladi

۳. مدیر غیرموظف، عضو پاره وقت هیات مدیره است که فاقد مسوولیت اجرایی در شرکت می باشد (دنیاى اقتصاد، ۱۳۸۵).

۴. عضو مستقل هیئت مدیره، شخص حقیقی یا حقوقی عضو هیئت مدیره است که شرایط استقلال را دارا باشد (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۲)

۵. به عنوان مثال، با توجه به شرایط ماده ۳ پیش نویس دستورالعمل راهبری شرکتی سال ۱۳۹۲ سازمان بورس اوراق بهادار، ترکیب اعضای هیئت مدیره در اندازه های مختلف در دو حالت ۷ نفر و ۱۵ نفر با توجه به اندازه شرکت، می تواند به شرح جدول زیر باشد. البته اندازه هیئت مدیره باید عددی فرد باشد:

اندازه هیئت مدیره	اکثریت عضو غیرموظف هیئت مدیره	عضو موظف هیئت مدیره
هیئت مدیره دارای ۷ عضو	حداکثر ۴ نفر (شامل حداقل یک نفر عضو مستقل مالی یا عضو غیر موظف مالی دارای تحصیلات مالی)	سه نفر
هیئت مدیره دارای ۱۵ عضو	حداکثر ۸ نفر (شامل ۳ نفر عضو مستقل مالی یا عضو غیر موظف مالی دارای تحصیلات مالی)	۷ نفر

(۲۰۰۷) اعضای غیرموظف با احتمال بیشتری، به منظور حمایت از منافع سهامداران، فعالیت های مدیریت را ارزیابی و کنترل می کنند بنابراین باعث کاهش هزینه های نمایندگی و پیشگیری از تقلب می شوند (خلیفه سلطانی و همکاران، ۱۳۹۳).

پیشینه تحقیق

در گذشته پژوهشی در خصوص رابطه ساختار حاکمیت شرکتی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه در کشور ایران انجام نشده است. اما برخی پژوهش های انجام شده داخل و خارج از کشور پیرامون موضوع تحقیق و در خصوص مکانیزم های حاکمیت شرکتی به شرح زیر است: اعتمادی و زلّی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان " کاربرد رگرسیون لجستیک در شناسایی گزارشگری مالی متقلبانه " تقلب صورتهای مالی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از برخی نسبتهای مالی مرتبط به عنوان پیش بینی کننده های بالقوه تقلب تشخیص داده اند. نتایج نشان داد که این مدل نقش اثربخشی در کشف تقلب صورتهای مالی داشته و می تواند به سرمایه گذاران، حسابداران رسمی و حسابرسان داخلی و مقامات مالیاتی و نهادهای دولتی و سیستم بانکی کمک زیادی نماید.

صفر زاده (۱۳۸۹) در مقاله ای با عنوان " توانایی نسبتهای مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی: تحلیل لاجیت " به بررسی نقش داده های حسابداری در ایجاد یک الگو برای کشف عوامل مرتبط با تقلب در گزارشگری مالی پرداختند. پس از تحلیل، ده نسبت مالی به عنوان پیش بینی کننده های بالقوه گزارشگری مالی متقلبانه معرفی شد. نتایج نشان داد که الگو تحقیق، توانایی کشف تقلب در گزارشگری مالی را دارد و الگوی پیشنهادی می تواند به گروه های مختلف استفاده کننده همچون حسابرسان، مقامات مجاز مالیاتی، سیستم بانکی و ... در تمایز شرکتهای متقلب از غیرمتقلب کمک کنند.

ابراهیمی و طالب نیا (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان " تاثیر مولفه های مدیریت دانش بر تقلب گزارش های مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران " یافتند که کاربرد دانش بر کاهش تقلب گزارش های مالی اثرگذار هستند.

منتظری و اقدم مزرعه (۱۳۹۴) در پژوهشی به "بررسی تاثیر درصد مالکیت مالکان نهادی بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه" شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از یافته های پژوهش نشان می دهد که متغیر مالکان نهادی با متغیر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوس و معنی داری دارد. همچنین، اندازه شرکت و اهرم مالی نیز دارای رابطه مستقیم (دارای ضریب مثبت) و معنی داری با متغیر وابسته می باشد.

قدرتی و فیضی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان "تاثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود در بازار بورس اوراق بهادار تهران" یافتند که نسبت مدیران غیر موظف در ترکیب هیئت مدیره بر میزان مدیریت سود تاثیر ندارد.

جامعی و رستمیان (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان "تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی های سود پیش بینی شده" یافتند که وجود اعضای با تخصص مالی در کمیته حسابرسی کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می دهد.

پیشینه تحقیقات خارجی انجام شده در خصوص موضوع این تحقیق نیز به شرح ذیل است: کلین (۲۰۰۲) در مقاله ای با عنوان "کمیته حسابرسی، ویژگی های هیات مدیره و مدیریت سود" نشان داد که استقلال کمیته حسابرسی و استقلال هیات مدیره با مدیریت سود رابطه معنی دار و منفی دارد.

هوانگ و تیروودی^۱ (۲۰۱۰) در مقاله ای با عنوان "ویژگی های کمیته حسابرسی و تقلب شرکت ها" نشان داد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با پیشگیری از تقلب رابطه معنی دار و مثبتی دارد. ولی ارتباطی بین تعداد جلسات کمیته حسابرسی، تعداد اعضای کمیته حسابرسی با پیشگیری از تقلب وجود ندارد.

پری^۲ (۲۰۰۹) "رابطه بین حاکمیت شرکتی، کیفیت اطلاعات حسابداری و نوع اظهارنظر حسابرسان مستقل" را بررسی کرد. نتایج نشان داد که بین وجود یک هیأت مدیره با تخصص مالی و مالکان نهادی با ارائه اظهارنظر مقبول توسط حسابرسان مستقل یک رابطه معنادار وجود دارد.

آلوز^۳ (۲۰۱۱) در پژوهش خود با هدف بررسی تجربی "تاثیر ساختار هیئت مدیره بر مدیریت سود شرکت های پرتغال" دریافت که اندازه هیات مدیره با مدیریت سود ارتباط معنی دار و مثبتی دارد. همچنین در ترکیب هیات مدیره اعضای غیر موظف مستقل هیات مدیره با مدیریت سود ارتباط معنی دار و منفی دارد؛ ولی وجود کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تاثیر ندارد.

لا (۲۰۱۱) پژوهشی با عنوان "حاکمیت شرکتی و عدم وقوع تقلب در سازمان ها" را با هدف بررسی تجربی ارتباط عوامل سازمانی با عدم وقوع تقلب انجام داد. یافته های این تحقیق نشان داد که اثربخشی کمیته حسابرسی و اثربخشی حسابرسی داخلی، با عدم تقلب در سازمان ها ارتباط معنی دار و مثبتی دارد. تجربه موفق حسابرسان در شناسایی تقلب و نوع کارایی حسابرس، عامل تاثیرگذار در عدم تقلب است.

¹. Huang and Thiruvadi

². Pereira

³. Alves

الزویی و سلامت (۲۰۱۲) در مقاله ای "اثر بخشی مکانیزم های حاکمیت شرکتی در محدود کردن مدیریت سود" را بررسی و به طور خاص نقش اندازه، استقلال، تخصص و تعداد جلسات را به عنوان اثر بخشی ویژگی های هیئت مدیره و کمیته حسابرسی بر مدیریت سود (EM) مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که شرکت های دارای ویژگی های هیئت مدیره و کمیته حسابرسی اثر بخش با مدیریت سود رابطه منفی و معکوس دارد.

داماگوم و چیمان^۱ (۲۰۱۳) در مقاله خود با عنوان "تأثیر حاکمیت شرکتی بر افشای داوطلبانه اطلاعات شرکت های نیجریه" دریافتند که اندازه هیات مدیره، اندازه شرکت، سودآوری شرکت با افشای داوطلبانه اطلاعات رابطه مثبت و مستقیم دارد. همچنین مدیران غیر موظف در ترکیب هیات مدیره با افشای داوطلبانه اطلاعات رابطه منفی و معکوس دارد. ولی رابطه ای بین سهم مالکیت مدیران و افشای داوطلبانه اطلاعات وجود ندارد.

لاکشن و وی جی کون^۲ (۲۰۱۲) در بررسی "تأثیر ویژگی های حاکمیت شرکتی بر درماندگی شرکت ها" دریافتند که ویژگی های نسبت مدیر غیرموظف، وجود کمیته حسابرسی و پاداش هیئت مدیره با احتمال درماندگی رابطه منفی دارند درحالیکه دوگانگی مدیر عامل با احتمال درماندگی رابطه مثبت دارد و اندازه هیئت مدیره، اظهارنظر حسابرس و سهامداران با عوامل تعیین کننده رابطه معناداری ندارد.

مانزانکه و همکاران^۳ (۲۰۱۶) در مقاله ای با عنوان "حاکمیت شرکتی بر احتمال درماندگی (بحران) مالی شرکت های اسپانیا" تأثیر برخی از مکانیزم های حاکمیت شرکتی (ویژگی های مالکیت و هیئت مدیره) بر احتمال درماندگی مالی را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که مالکیت هیئت مدیره و نسبت مدیران مستقل و اندازه هیئت مدیره تأثیر معنی دار و منفی بر احتمال درماندگی مالی دارد، ولی تمرکز مالکیت سهامداران نهادی رابطه معنی دار و مثبتی با احتمال درماندگی مالی دارد.

رزالی و ارشد (۲۰۱۴) در مقاله ای به بررسی ارتباط بین "افشای ساختار حاکمیت شرکتی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه" پرداختند. نتایج نشان داد که بین اثر بخشی کمیته حسابرسی، اثر بخشی حسابرسی داخلی و اثر بخشی اعضاء غیرموظف مستقل هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معنی داری وجود دارد. ولی ارتباطی بین اندازه هیات مدیره و تجربه بین المللی اعضاء هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه وجود ندارد.

¹. Damagum and Chima

². Lakshan and Wijekoon

³. Manzanque and et al

همچنین نتایج نشان داد که بین اندازه شرکت و اهرم مالی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه وجود دارد.

اینیرات (۲۰۱۵) نقش سه جزء اصلی حاکمیت شرکتی (حسابرسی داخلی، کنترل داخلی و حسابرس مستقل) را در کاهش تقلب مورد بررسی قرارداد. یافته های حاصل تجزیه و تحلیل رگرسیون نشان می دهد که در میان سه جزء حاکمیت شرکتی، حسابرسی داخلی به عنوان عاملی مهم در کاهش سطح تقلب بوده است. تحقیقات در مورد (وجود، اجرا و اثربخشی) مولفه های حاکمیت شرکتی نشان می دهد که بعد اثربخشی بیشترین تاثیر را در کاهش سطح تقلب دارد.

داگسنی و همکاران^۱ (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان "ویژگی های هیئت مدیره و مدیریت سود شرکت های فرانسه" تاثیر فعالیت (جلسات) هیئت مدیره، اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، دوگانگی مسئولیت مدیر عامل را بر مدیریت سود بررسی کردند. نتایج نشان داد که اندازه هیئت مدیره تاثیر معنی دار و منفی بر مدیریت سود دارد، ولی فعالیت (جلسات) هیئت مدیره و دوگانگی مسئولیت مدیر عامل تاثیر معنی دار و مثبتی با مدیریت سود دارد. همچنین یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل تحقیق نشان می دهد که استقلال هیئت مدیره تاثیری بر مدیریت سود ندارد.

آکیجو و باباتونده^۲ (۲۰۱۷) در مقاله ای با عنوان "حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی در نیجریه" ارتباط بین مکانیزم های حاکمیت شرکتی (ویژگی های هیئت مدیره، کمیته حسابرسی، استقلال هیئت مدیره، اندازه هیئت مدیره) و کیفیت گزارشگری مالی را با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه بررسی کردند. یافته های تحقیق نشان داد که مکانیزم های حاکمیت شرکتی تاثیر معنی دار و مثبتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار نیجریه دارند.

۳- فرضیه های پژوهش

فرضیه گمانی است موقتی که باید درست بودن و نبودنش مورد ارزیابی قرار گیرد. در این مطالعه، در خصوص ساختار حاکمیت شرکتی، دو ویژگی هیات مدیره (اندازه هیات مدیره، تخصص اعضا هیات مدیره) و اثربخشی دو مکانیزم حاکمیت شرکتی (اثر بخشی کمیته حسابرسی و اثر بخشی اعضای غیرموظف هیات مدیره) با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه مورد بررسی قرار

1. Daghsni and et al
2. Akeju and Babatunde

می گیرد، لذا مدل مورد استفاده تحقیق باید به صورت تک به تک برای هر یک از فرضیه ها آزمون گردد. فرضیه های این مطالعه به شرح زیر می باشند:

فرضیه اول: اندازه هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی دارد.

فرضیه دوم: تخصص اعضا هیئت مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی دارد.

فرضیه سوم: اثر بخشی کمیته حسابرسی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی دارد.

فرضیه چهارم: اثر بخشی اعضاء غیرموظف مستقل هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی دارد.

۴- روش شناسی پژوهش

از جهت ماهیت و هدف: به لحاظ اینکه هدف از انجام این تحقیق بکارگیری مدل ها و نظریات موجود، قوانین و مقررات و دستورالعمل های مراجع حرفه ای و قانونی نظیر سازمان بورس اوراق بهادار و ... در راستای ساختار حاکمیت شرکتی و گزارشگری مالی متقلبانه شرکت های پذیرفته در بورس اوراق بهادار می باشد، بنابراین یک تحقیق کاربردی محسوب می گردد.

از جهت روش تحقیق: در این تحقیق چون در ابتدا، تصویری از وضع موجود ارائه می شود، از نظر روش از نوع توصیفی بوده و در ادامه، چون به بررسی رابطه علی بین متغیرهای مستقل و وابسته پرداخته می شود، یک تحقیق علی-معلولی و از نوع کمی به جهت استفاده از داده های تاریخی عملکردی پس رویدادی محسوب می گردد.

از جهت روش استدلال (استنتاج): به لحاظ استفاده از روش توصیفی در تعمیم یافته ها به جامعه آماری، از نوع استنتاج تحلیلی (یا استقرایی) محسوب می گردد.

از جهت طرح تحقیق: در این تحقیق تجزیه و تحلیل داده ها هم به صورت تحلیل تجمعی (در قالب داده های تلفیقی) صورت گرفته است.

از جهت وجود رابطه بین متغیرهای تحقیق: از روش رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است.

■ مدل و متغیرهای تحقیق

برای آزمون فرضیه ها و وجود رابطه بین متغیرهای تحقیق از مدل رگرسیون خطی چند متغیره ارائه شده توسط رزالی و ارشد (۲۰۱۴) استفاده شده است:

$$LFFR = \beta_0 + \beta_1 BOD_SIZE + \beta_2 BOD_EX + \beta_3 AC_EFF + \beta_4 INED_EFF + \beta_5 SIZE + \beta_6 LEV + \varepsilon$$

که در آن ε خطا و باقیمانده های حاصل از مدل رگرسیون است و سایر متغیرهای مدل به شرح جدول شماره ۱ که خلاصه متغیرهای تحقیق شامل نوع متغیر، نام متغیر، معیار اندازه گیری و نماد متغیر را در این مطالعه نشان می دهد.

جدول ۱- خلاصه متغیرهای تحقیق

نوع متغیر	نام متغیر	معیار اندازه گیری	نماد متغیر
متغیر وابسته	احتمال گزارشگری مالی متقلبانه	مدل تعدیل شده آلتمن Z-Score (به پیروی از رزالی و ارشد، ۲۰۱۴ و رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۸۸)	LFFR
متغیر مستقل	اندازه هیات مدیره	تعداد اعضای هیات مدیره	BOD_SIZE
	تخصص	دانش مرتبط مالی	BOD_EX
	اثر بخشی کمیته حسابرسی	استقلال و تخصص مالی اعضای کمیته	AC_EFF
	اثر بخشی اعضای غیرموظف مستقل هیات مدیره	نسبت اکثریت اعضای هیات مدیره	INED_EFF
متغیر کنترلی	اندازه شرکت	لگاریتم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت	SIZE
	اهرم مالی	نسبت کل بدهی / کل دارایی	LEV

بیشتر تحقیقات در زمینه کشف تقلب در گزارشگری مالی بر سودمندی نسبتهای مالی به عنوان پیش بینی کننده های احتمالی تقلب در گزارشگری مالی تأکید داشته اند (صفرزاده، ۱۳۸۹). مطالعات آلتمن یکی از ارزشمندترین مطالعات در زمینه ورشکستگی و بحران مالی می باشد. احتمال بسیاری وجود دارد که شرکت های دچار بحران مالی دارای حاکمیت شرکتی ضعیفی باشند که براساس ساختار حاکمیت شرکتی مورد سنجش قرار می گیرد. آلتمن در سال ۱۹۶۸ از روش تجزیه و تحلیل چند ممیزی برای انتخاب نسبت های مالی استفاده کرد. وی با این روش از میان ۲۲ نسبت مالی که به نظراو بهترین نسبت های مالی برای پیش بینی ورشکستگی بودند، پنج نسبت را بصورت ترکیبی که از نظر ایشان بهترین پیش بینی کننده ورشکستگی بود انتخاب نمود. پنج نسبت ترکیبی عبارت بودند از: قدرت نقد شوندگی، سوددهی،

نسبت‌های اهرمی، توانایی بازپرداخت بدهی و نسبت‌های فعالیت. آلتمن با ترکیب این پنج نسبت تابعی ساخت که بهترین عملکرد را در میان دیگر نسبت های مالی دارا بود. در این تحقیق جهت اندازه گیری احتمال گزارشگری مالی متقلبانه با استفاده از مدل تعدیل شده آلتمن Z- Score به پیروی از رزالی و ارشد (۲۰۱۴) و مدل ایرانیزه شده آلتمن توسط رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۸۸) که برای بازارهای نوظهور استفاده خواهد شد مطابق مدل زیر اندازه گیری و محاسبه شده است:

$$Z=1.2x_1+1.4x_2+3.3x_3+0.6x_4+0.99x_5$$

که در آن:

$$X_1 = \text{سرمایه در گردش به کل دارایی}^1$$

$$X_2 = \text{سود انباشته به کل دارایی}^2$$

$$X_3 = \text{درآمد قبل از بهره و مالیات به کل دارایی}^3$$

$$X_4 = \text{ارزش بازاری حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری بدهی ها}^4$$

$$X_5 = \text{فروش به کل دارایی ها}^5$$

که در این مدل حدود مقدار مدل Z عبارت است از:

احتمال ورشکستگی	Z دامنه
درمانده مالی	$Z \leq 1.8$
ضعیف و محدوده درماندگی	$1.8 \leq Z \leq 2.99$
سالم	$Z > 2.99$

در این تحقیق حدود مقدار مدل Z ، از لحاظ پیش بینی کننده احتمالی تقلب در گزارشگری مالی و تعیین وضعیت گزارشگری مالی متقلبانه شرکت های جامعه آماری تحقیق مطابق رابطه زیر به دو دسته تقسیم شدند: دسته اول شرکت های سالم یعنی شرکت هایی که مقدار مدل Z- Score بیش تر از ۲/۹۹ باشد فرض بر این است که احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ندارند. دسته دوم شرکت های درمانده مالی و در محدوده درماندگی مالی و ورشکستگی یعنی شرکت هایی که بطور کلی مقدار Z- Score کم تر یا مساوی از ۲/۹۹ باشد فرض بر این است که احتمال گزارشگری مالی متقلبانه دارند.

¹ Working capital / Total assets

² Retained earning / Total assets

³ EBIT / Total assets

⁴ Market value of reguity / Book value debt

⁵ Sales / Total assets

if Z > 2.99 then ... safe ... No LFFR

if Z ≤ 2.99 then ... grey and distresses ... yes LFFR

■ جامعه آماری، نمونه آماری، روش نمونه گیری و واحد تحقیق

جامعه آماری این پژوهش، محدود و از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که دارای ویژگی های جدول شماره ۲ باشند، تشکیل شده است:

جدول ۲- روش انتخاب جامعه تحقیق

۴۷۲	تعداد شرکت های پذیرفته شده در بورس تا پایان سال ۸۹
(۵۱)	شرکت های سرمایه گذاری، واسطه های مالی، بانک ها و بیمه ها
(۱۲۸)	شرکت هایی که پایان سال مالی آن ها به ۱۲/۲۹ ختم نشده است.
(۱۰۷)	طی دوره پژوهش فعالیت مستمر نداشته و معاملات آنها در بورس دچار وقفه بیش از ۴ ماه بوده است.
(۷۷)	اطلاعات مربوط به متغیرها در دسترس نبود.
۱۰۹	جامعه تحقیق

به علت محدود بودن جامعه کلیه شرکت های عضو جامعه به عنوان نمونه انتخاب شدند. لذا با توجه به ماهیت و موضوع مورد بررسی در پژوهش حاضر، واحد تحلیل شرکت می باشد.

■ روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش برای جمع آوری داده ها و اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و بررسی پیشینه تحقیق از روش کتابخانه ای استفاده شده است. در بخش کتابخانه ای، مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی ولاتین گردآوری شده است. اطلاعات مربوط به شاخص حاکمیت شرکتی و گزارشگری مالی متقلبانه از روش میدانی به دست آمده است که شامل صورت های مالی، یادداشت های همراه صورت های مالی، صورت جلسات مجمع و گزارش مدیریت می باشند. از آنجاکه روش انجام تحقیق به صورت میدانی بوده و با داده های واقعی سروکار دارد، لذا جمع آوری داده ها برای اطلاعات مالی از صورت های مالی حسابرسی شده و یادداشت های همراه آن و اطلاعات حاکمیت شرکتی استفاده شده گزارش فعالیت هیات مدیره به مجمع عمومی عادی، اطلاعاتی های مربوط به معرفی ترکیب اعضای هیئت مدیره شرکت، مشخصات کمیته حسابرسی و گزارش فعالیت سالانه کمیته حسابرسی مربوط به شرکت های مورد مطالعه که از سایت سازمان بورس اوراق بهادار و سایت کدال و با کمک لوح های فشرده بورس اوراق بهادار تهران بدست آمده است. محاسبات اولیه در ارتباط با متغیرها و پردازش اولیه اطلاعات با استفاده از نرم افزار Excel انجام شده است. داده های جمع آوری شده مربوط به

متغیرهای تحقیق با استفاده از تکنیک های آماری و اقتصادسنجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و آزمون های آماری برای فرضیات نیز در نرم افزار Eviews 9 مورد آزمون قرار می گیرند. آزمون های آماری لازم و نوع آماره استفاده شده برای تجزیه و تحلیل داده ها و بررسی وجود رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد (سطح خطای ۵ درصد) در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- آزمون های آماری جهت تجزیه و تحلیل داده ها و بررسی روابط بین متغیرهای مدل

نوع آماره استفاده شده آزمون	نوع و هدف انجام آزمون	توضیح
Levin,lin& Chu, IM-pesaran &shin-squar, ADF-Fisher-Chi-squar, PP-Fisher Chi – squar	آزمون پایایی: برای حصول اطمینان از نتایج پژوهش و ساختگی نبودن روابط موجود در رگرسیون و معنی دار بودن متغیرها	کتاب: اقتصادسنجی و آزمون های آماری
پیرسون	آزمون عدم خود همبستگی: برای بررسی وجود یا عدم هم خطی میان متغیرها	
بارتلت، لوین و بارو فورستی	آزمون همسانی واریانس خطا: بررسی وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس بین اجزای اخلاص	
آماره F و کای اسکوئر(خی دو)	آزمون چاو: تشخیص نوع مدل داده های ترکیبی (تلفیقی یا تابلویی)	
آماره کای اسکوئر(خی دو)	آزمون هاسمن: تعیین نوع روش برآورد مدل(اثرات ثابت یا تصادفی)	
آماره F	معنادار بودن مدل رگرسیون	
آماره T	آزمون معنادار بودن ضرایب	
آماره دوربین واتسون	عدم خود همبستگی جملات خطا	
Jarque-Bera	بررسی فرض نرمال بودن باقی مانده در مدل رگرسیونی	

۵- یافته های پژوهش

جدول شماره ۴ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پیوسته تحقیق برای ۱۰۹ شرکت و ۵۴۵ مشاهده، که پارامترهای توصیفی برای هر متغیر را طی بازه زمانی تحقیق نشان می دهد.

جدول ۴- نتایج آمار توصیفی متغیرهای پیوسته مدل

نسبت بدهی	اندازه	احتمال گزارشگری مالی متقلبانه	متغیر	
			شاخص های آماری	
LEV	SIZE	LFFR	میانگین	شاخص های مرکزی
0.5486	13.7378	2.6312	میانگین	شاخص های مرکزی
0.5672	13.6340	2.1340	میانه	
0.9511	18.5496	129.4779	بیشینه	
0.0030	10.2268	-1.8145	کمینه	
0.1678	1.3629	6.1459	انحراف معیار	شاخص های پراکندگی
-0.4675	0.7067	17.7545	چولگی	
2.7424	4.1085	349.1495	کشیدگی	
545	545	545	مشاهدات	
109	109	109	تعداد شرکت	

جدول شماره ۵ آمار توصیفی متغیرهای پیوسته تحقیق برای ۱۴۶ مشاهده شرکت هایی که براساس مدل تعدیل شده آتمن Z-Score احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ندارند (شرکت های سالم طبق محاسبه مدل Z هر شرکت بیش تر از ۲/۹۹ باشد) را برای هر متغیر طی بازه زمانی تحقیق نشان می دهد.

if Z > 2.99 then ...safe ...No LFFR

جدول ۵- نتایج آمار توصیفی متغیرهای پیوسته (شرکت هایی که احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ندارند)

نسبت بدهی	اندازه	احتمال گزارشگری مالی متقلبانه	متغیر	
			شاخص های آماری	
LEV	SIZE	LFFR	میانگین	شاخص های مرکزی
0.5606	13.6351	5.2460	میانگین	شاخص های مرکزی
0.5813	13.5089	3.7218	میانه	
0.8465	18.3173	129.4779	بیشینه	
0.2109	10.3521	2.9909	کمینه	
0.1558	1.3776	11.4308	انحراف معیار	شاخص های پراکندگی
-0.3110	1.0053	9.6841	چولگی	
2.2133	4.8436	100.8080	کشیدگی	
146	146	146	تعداد شرکت	

جدول شماره ۶ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پیوسته تحقیق برای ۳۹۹ مشاهده شرکت های درمانده مالی و در محدوده ورشکستگی که براساس مدل تعدیل شده آلتمن Z- Score احتمال گزارشگری مالی متقلبانه دارند (امتیاز مدل Z هر شرکت کم تر یا مساوی ۲/۹۹ باشد) را برای هر متغیر طی بازه زمانی تحقیق نشان می دهد.

if Z ≤ 2.99 then ... grey and distrees ... yes LFFR

جدول ۶- نتایج آمار توصیفی متغیرهای پیوسته (شرکت هایی که احتمال گزارشگری مالی متقلبانه دارند)

نسبت بدهی	اندازه	احتمال گزارشگری مالی متقلبانه	متغیر شاخص های آماری	
			LEV	SIZE
0.5442	13.7694	1.6825	میانگین	شاخص های مرکزی
0.5523	13.6644	1.7482	میانه	
0.9511	18.5496	2.9753	بیشینه	
0.0030	10.2268	-1.8145	کمینه	شاخص های پراکندگی
0.1719	1.3614	0.7854	انحراف معیار	
-0.4957	0.5966	-0.8505	چولگی	
2.8204	3.8593	4.3559	کشیدگی	
399	399	399	تعداد شرکت	

در جدول شماره ۷ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای گسسته مدل که فراوانی مطلق و فراوانی نسبی مطابق با معیارهای اندازه گیری هر متغیر را نشان می دهد.

جدول ۷- نتایج آمار توصیفی متغیرهای گسسته تحقیق

اثربخشی اعضا			اثربخشی اعضا غیرموظف مستقل هیات مدیره		تخصص اعضا هیات مدیره		اندازه هیات مدیره		متغیر شاخص
AC EFF			INED EFF		BOD EX		BOD SIZE		
3.00	2.00	1.00	1.00	.00	1.00	.00	1.00	.00	مقدار
47	173	325	400	145	407	138	493	52	فراوانی مطلق
8.6	31.8	59.6	73.4	26.6	74.68	25.32	90.46	9.54	فراوانی نسبی

■ آمار استنباطی

پس از انجام آزمون پایایی، آزمون عدم همبستگی متغیرهای تحقیق، آزمون همسانی واریانس خطا بین اجزای اخلاص مدل رگرسیون و همچنین آزمون های تشخیصی برای تعیین تخمین و نوع مدل داده های ترکیبی (تلفیقی یا تابلویی) با استفاده از آزمون چاو و نتایج حاصل از آن مبنی بر تایید مدل تابلویی و سپس جهت تعیین نوع روش برآورد (اثرات ثابت یا تصادفی) با استفاده از آزمون هاسمن و نتایج حاصل از آن روش برآورد اثرات ثابت تایید شده است؛ برای آزمون فرضیه های یک تا چهار تحقیق از مدل رگرسیون خطی چند متغیره که در بخش های قبل ارائه شده استفاده خواهد شد.

■ نتایج برآورد مدل و تحلیل رگرسیون

با استفاده از روش داده های تلفیقی در حالت ایستا و رویکرد اثرات ثابت در مقطع با به کارگیری رگرسیون حداقل مربعات وزنی (WLS) مدل به صورت اثرات ثابت در مقاطع تخمین زده شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل در جدول شماره ۸ نشان داده شده است. جدول ۸- نتایج حاصل از برآورد مدل در حالت اثرات ثابت در مقاطع و به کارگیری روش حداقل مربعات وزنی

Dependent Var: LFFR (احتمال گزارشگری مالی متقلبانه)					
P_Value	T_آماره	انحراف استاندارد	ضرایب (B)	نماد	
0.1248	1.5379	7.5698	11.6423	β	عرض از مبدا
0.2756	-1.0916	0.6134	-0.6696	BOD_SIZE	اندازه هیات مدیره
0.0000	-6.3135	0.5129	-3.2383	BOD_EX	تخصص اعضاء هیات مدیره
0.0745	-1.7878	0.6321	-1.1302	AC_EFF	اثر بخشی کمیته حسابرسی
0.0000	-7.7068	0.8083	-6.2297	INED_EFF	اثر بخشی اعضاء غیرموظف مستقل هیات مدیره
0.2581	-1.1324	0.5642	-0.6389	SIZE	اندازه شرکت
0.0000	8.7324	0.2658	2.3212	Lev	اهرم مالی
2.5642	Mean dependent var	0.853	ضریب تعیین		
61.8743	S.D. dependent var	0.841	ضریب تعیین تعدیل یافته		
1563960.	Sum squared resid	60.308	S.E. of regression		
2.6934	آماره دوربین واتسون	1.359	آماره F		
		0.043	سطح معنی داری آماره F		

مقدار ضریب تعیین (R^2) در مدل مورد بررسی برابر با $0/85$ و مقدار R^2 تعدیل یافته برابر با $0/84$ تخمین زده شده است، که نشان از توضیح دهندگی بالای مدل دارد. با توجه به آماره F که برابر با $1/35$ و مقدار سطح معنی داری (P_Value) این آماره که برابر با $0/04$ شده اند، می توان بیان داشت که کل مدل نیز از لحاظ آماری از معنی داری لازم برخوردار است. به عبارت دیگر متغیرهای مستقل تحقیق روی هم رفته می توانند احتمال گزارشگری متقلبانه شرکت ها را به مقدار $0/85$ پیش بینی و تعیین کند. بعلاوه، آماره دوربین واتسون نیز نشان می دهد که در مدل فوق خود همبستگی وجود ندارد.

■ ■ آزمون و نتایج فرضیه های تحقیق

برای آزمون فرضیه های یک تا چهار تحقیق تاثیر هر یک از متغیر های مستقل و کنترلی بر متغیر وابسته را طبق نتایج حاصل از برآورد مدل با استفاده از رویکرد اثرات ثابت در مقطع و به کارگیری روش حداقل مربعات وزنی طبق جدول شماره ۸ تعیین می کنیم. اگر سطح معنی داری (P_Value) متغیرها کمتر از درصد خطای $0/05$ باشد، تاثیر آن متغیر بر متغیر وابسته در سطح اطمینان 95% معنی دار است. در این صورت به گام بعدی یعنی تحلیل ضرایب متغیرها می پردازیم. اگر علامت ضریب مثبت باشد ارتباط بین متغیر مستقل و متغیر کنترلی با متغیر وابسته مستقیم است. یعنی با افزایش مقدار متغیر مستقل یا کنترلی مقدار احتمال گزارشگری مالی متقلبانه نیز افزایش می یابد. بالعکس اگر علامت ضریب منفی باشد نشان می دهد که رابطه معکوسی بین متغیر مستقل و متغیر کنترلی با متغیر وابسته وجود دارد. یعنی با افزایش مقدار متغیر مستقل یا کنترلی مقدار احتمال گزارشگری مالی متقلبانه نیز کاهش می یابد. خلاصه نتایج حاصل از آزمون فرضیه های تحقیق مطابق جدول شماره ۸ در ادامه ارائه شده است.

درخصوص فرضیه اول تحقیق که بیان می دارد اندازه هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی دارد، چون مقدار احتمال متغیر اندازه هیات مدیره برابر با $0/27$ است که از سطح خطای $0/05$ بیشتر می باشد. لذا تاثیر متغیر اندازه هیات مدیره بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه معنی دار نمی باشد. بنابراین در این تحقیق ارتباطی بین اندازه هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه وجود ندارد و فرضیه رد می شود. نتیجه این فرضیه با تحقیق لاکشن و وی جی کون (۲۰۱۲) و رزالی و ارشد (۲۰۱۴) همسو است.

درخصوص فرضیه دوم تحقیق که بیان می دارد تخصص اعضا هیئت مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی دارد، چون مقدار احتمال متغیر تخصص اعضا هیات مدیره برابر با صفر $0/0$ است که از سطح خطای $0/05$ کمتر می باشد. لذا متغیر تخصص اعضا هیات مدیره بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه در سطح اطمینان 95% درصد معنی دار می

باشد. تاثیر این متغیر با توجه به علامت ضریب آن که منفی است یک ارتباط منفی یا معکوس بین متغیر تخصص مالی اعضای هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه وجود دارد و فرضیه پذیرفته می شود. یعنی انتظار می رود با افزایش ۱ درصدی تخصص اعضاء هیات مدیره، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ۳/۲۳ درصد کاهش یابد. این نتیجه منطبق با تحقیق پری‌یرا (۲۰۰۹) و الزویی و سلامت (۲۰۱۲) است.

درخصوص فرضیه سوم تحقیق که بیان می دارد اثر بخشی کمیته حسابرسی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی دارد. چون مقدار احتمال متغیر اثر بخشی کمیته حسابرسی برابر با ۰/۰۷ است که از سطح خطای ۰/۱ کمتر می باشد لذا تاثیر متغیر اثر بخشی کمیته حسابرسی بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنی دار می باشد. تاثیر این متغیر با توجه به علامت ضریب آن که منفی است یک ارتباط منفی و معکوس بین متغیر اثر بخشی کمیته حسابرسی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه وجود دارد و فرضیه پذیرفته می شود. بنابراین می توان چنین استدلال کرد که وجود کارشناسان مالی و دارای استقلال بیشتر در کمیته حسابرسی؛ یعنی اعضای که علاوه بر استقلال، سوابق علمی تجربه و مهارت کافی داشته باشند، باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می شود و اثربخشی کمیته حسابرسی را بالا برده و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی بیشتر شده و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش می دهد. لذا انتظار می رود با افزایش ۱ درصدی اثر بخشی کمیته حسابرسی، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ۱/۱۳۰ درصد کاهش یابد. این نتیجه با تحقیق رزالی و ارشد (۲۰۱۴)، لا (۲۰۱۱)، لاکشن و وی جی کون (۲۰۱۲)، الزویی و سلامت (۲۰۱۲) و آکیجو و بابائونده (۲۰۱۷) همسو است.

درخصوص فرضیه چهارم تحقیق که بیان می دارد اثر بخشی اعضاء غیرموظف مستقل هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی دارد، چون مقدار احتمال متغیر اثر بخشی اعضاء غیرموظف مستقل هیات مدیره برابر با صفر ۰/۰ است که از سطح خطای ۰/۰۵ کمتر می باشد. لذا تاثیر متغیر اثر بخشی اعضاء غیرموظف مستقل هیات مدیره بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار می باشد. تاثیر این متغیر با توجه به علامت ضریب آن که منفی است یک ارتباط منفی یا معکوس بین متغیر اثر بخشی اعضاء غیرموظف مستقل هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه وجود دارد و فرضیه پذیرفته می شود. حضور مدیران غیرموظف در هیئت مدیره شرکت ها به عنوان افرادی مستقل و عملکرد نظارتی آن ها، به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران در جلسه های هیئت مدیره، کمک شایان توجهی می کند؛ همچنین در شرکت هایی که مدیران غیرموظف بیشتری عضو هیئت مدیره هستند، سرمایه گذاران و سهامداران اطلاعات مندرج در گزارش های مالی را قابل

انکاتر و احتمال دست کاری در سود یا تحریف آن را کمتر می دانند. یعنی انتظار می رود با افزایش ۱ درصدی اثر بخشی اعضاء غیرموظف مستقل هیات مدیره، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ۶/۲۲۹ درصد کاهش یابد. این نتیجه با نتیجه تحقیق های رزالی و ارشد (۲۰۱۴)، آلوز (۲۰۱۱)، لاکشن و وی جی کون (۲۰۱۲)، مانزانکه و همکاران (۲۰۱۶) و آکیجو و باباتونده (۲۰۱۷) همخوانی دارد.

سایر یافته های تحقیق: در تحقیق حاضر به منظور افزایش ارتباط بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، متغیرهای اندازه شرکت و اهرم مالی شرکت به عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته شده است. نتایج نشان داد که مقدار احتمال متغیر اندازه شرکت که برابر با ۰/۲۵ است که از سطح خطای ۰/۰۵ بیشتر می باشد، لذا تاثیر متغیر اندازه شرکت بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه معنی دار نمی باشد. بنابراین در این تحقیق ارتباطی بین اندازه شرکت با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه وجود ندارد. همچنین مقدار احتمال متغیر اهرم مالی (نسبت بدهی) برابر با صفر ۰/۰ است که از سطح خطای ۰/۰۵ کمتر می باشد. لذا تاثیر متغیر اهرم مالی (نسبت بدهی) بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار می باشد. بنابراین در این تحقیق اهرم مالی شرکت با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه مثبت و مستقیم دارد. یعنی انتظار می رود با افزایش یک درصدی نسبت بدهی، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ۲/۳۲ درصد افزایش یابد. این نتیجه با نتیجه تحقیق رزالی و ارشد (۲۰۱۴) و منتظری و اقدم مزرعه (۱۳۹۴) همخوانی دارد.

۶- نتیجه گیری و بحث

امروزه یکی از روش‌هایی که مدیران شرکت‌های درمانده مالی و در محدوده ورشکسته ممکن است برای پنهان کردن عملکرد ضعیف خود به منظور کسب فرصت و به تأخیر انداختن ورشکستگی و فریبکاری استفاده کنند، تغییر اطلاعات حسابداری یا عدم افشای آن است که منجر به گزارشگری مالی متقلبانه می گردد؛ موضوعی که هشدار جدی از آینده تامین سرمایه و اعتبار برای شرکت های سهامی عام است. بر همین اساس در این پژوهش از منظر شاخص های حاکمیت شرکتی به منظور پیشگیری از تقلب و عوامل بازدارنده از خطر وقوع آن با هدف گزارشگری مالی مطلوب و اجرای صحیح قوانین و مقررات راهبری شرکتی و کمک به تحقق سیاست های کلی اقتصادی کشور یعنی شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت ها و زمینه های فسادزا در بازار سرمایه، رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد

بررسی قرار گرفت. یافته‌های حاصل از برازش مدل نشان می‌دهد که کل مدل نیز از لحاظ آماری از معنی داری لازم برخوردار است. به عبارت دیگر متغیرهای مستقل تحقیق (متغیرهای ساختار حاکمیت شرکتی) روی هم رفته متغیروابسته (احتمال گزارشگری متقلبانه شرکت ها) را به صورت معنی داری پیش بینی و تعیین می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین تخصص اعضاء هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی وجود دارد. لذا با توجه به نتایج این مطالعه که عامل کاربرد دانش و تخصص تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر کاهش احتمال تقلب گزارشگری مالی دارد. ضمن این که به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود علاوه بر وجود حداقل یک نفر متخصص مالی در ترکیب هیات مدیره به تخصص حقوق هم نیاز می‌باشد. همچنین به سهامداران شرکت ها توصیه می‌شود در جلسه مجمع جهت انتخاب اعضای هیات مدیره، سعی نمایند اکثریت عضو هیات مدیره دارای دانش و تخصص مالی باشند. همانطور که نتایج هم نشان داد اثربخشی کمیته حسابرسی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی دارد وجود کارشناسان مالی و مستقل بیشتر در کمیته حسابرسی؛ یعنی اعضای که علاوه بر سوابق علمی، تجربه و مهارت کافی، استقلال هم داشته باشند، باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود و اثربخشی کمیته حسابرسی را بالا برده و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی بیشتر شده و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش می‌دهد. علاوه بر آن یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که اثربخشی اعضاء غیرموظف مستقل هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی وجود دارد. با توجه به نتایج این مطالعه که وجود اعضای مستقل اثر بخش در ترکیب هیات مدیره بیشترین تاثیر را بر روی کاهش احتمال تقلب گزارشگری مالی دارد و لذا در راستای برقراری نظام حاکمیت شرکتی به سازمان بورس اوراق بهادار توصیه می‌شود، دستورالعمل راهبری شرکتی که از سال ۹۲ تاکنون با ۴ مرحله ویرایش در قالب پیش نویس تدوین شده را تصویب و شرکت های پذیرفته شده را ملزم به وجود اکثریت اعضای غیرموظف مستقل در ترکیب هیات مدیره نماید. همچنین تشکیل انجمن‌های حرفه‌ای مدیران برای تسهیل انتخاب مدیران حرفه‌ای و ترویج رویکرد مدیران مستقل اکثریت اعضای هیئت مدیره به عنوان یک مکانیزم های حاکمیت شرکتی موثر می‌تواند به بهبود شایسته سالاری، ایفای موثر مسئولیت‌های هیئت مدیره برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی و اعتلای اثر بخشی در شرکت ها بینجامد. نتایج نشان می‌دهد بین اهرم مالی (نسبت بدهی) و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معنی داری وجود دارد. علاوه بر این اندازه هیات مدیره و اندازه شرکت بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه تاثیر معنی داری ندارد. لذا به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می‌شود که با طرح لایحه‌ای در خصوص ماده ۱۰۷ قانون تجارت که با ماده ۳ پیش نویس دستورالعمل راهبری شرکتی سازمان بورس اوراق بهادار در خصوص تعداد حداقلی اعضای هیات مدیره در شرکت های

سهامی عام تناقض^۱ دارد را اصلاح نماید. به طور کلی نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که ساختار حاکمیت شرکتی اثربخش، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش می‌دهد. نتایج این مطالعه بیانگر این است که افزایش اثربخشی ساختار حاکمیت شرکتی علاوه بر اینکه موجب کاهش احتمال گزارشگری مالی متقلبانه می‌شود بلکه منجر به افزایش اعتبار و کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد. لازم به ذکر است در این تحقیق تنها تاثیر چهار متغیر حاکمیت شرکتی بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه بررسی شد. تحقیقات بیشتر می‌تواند با استفاده از سایر متغیرهای حاکمیت شرکتی برای بررسی تاثیر آن بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه انجام شود. از جمله تکرار پژوهش حاضر با استفاده از سایرمدل های پیش بینی احتمال گزارشگری مالی متقلبانه شرکت ها و مقایسه با تحقیق حاضر (از جمله رگرسیون لجستیک، تحلیل لاجیت و....) که از نظر محقق با انجام تحقیقات بیشتر در آینده می‌تواند به تشریح مناسب تر مساله تقلب در صورت های مالی و در نتیجه بهبود کیفیت گزارشگری مالی کمک نماید.

فهرست منابع

- ابراهیمی، مهدی و طالب نیا، قدرت الله. (۱۳۹۳)، تاثیر مولفه‌های مدیریت دانش بر تقلب گزارش‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، سال پنجم، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۶۱-۷۵.
- اعتمادی، حسین و زلفی، حسن. (۱۳۹۲)، کاربرد رگرسیون لجستیک در شناسایی گزارشگری مالی متقلبانه، فصلنامه دانش حسابرسی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، صص ۱۴۵-۱۶۳.
- امیدوار، علیرضا و مومن زاده، محمد مهدی. (۱۳۹۳)، پاراملات؛ ((انرون)) اروپا؛ ماهنامه بورس، شماره ۱۱۱، صص ۳۵-۳۹.
- امیرآزاد، میرحافظ؛ زینالی، مهدی؛ شاهی، رضا. (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی برگزینش اظهار نظر حسابرس، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۵۷، صص ۶۵-۸۸.
- آیین نامه اصول راهبری شرکت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. (۱۳۸۵)، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۰۲۱، تاریخ ۱۳۸۵/۵/۱۱.

۱. طبق قانون تجارت ایران عده اعضای هیئت مدیره در شرکتهای سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد. (ماده ۱۰۷ قانون تجارت). تعداد اعضای هیئت‌مدیره برای شرکتهای بزرگ، طبق اعلام سازمان بورس و اوراق بهادار، حداقل هفت نفر می‌باشد. (ماده ۳ پیش نویس دستورالعمل راهبری شرکتی). که این حداقل هفت نفر تعداد اعضای هیئت مدیره ناقص پنج نفر حداقلی مصوب ماده ۱۰۷ قانون تجارت ایران می‌باشد.

باباجانی جعفر و عبدی مجید. (۱۳۸۹)، رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکتهای، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۳، صص ۶۵-۸۶.
بحری ثالث، جمال؛ بهنمون، یعقوب؛ مددی زاده، ابراهیم. (۱۳۹۳)، ویژگی های هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۲، صص ۵۳-۶۷.

پورحیدری، امید و همتی، داود. (۱۳۸۳)، بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه های سیاسی، طرح های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۶، صص ۴۷-۶۳.
جامعی، رضا و رستمیان، آزاده. (۱۳۹۵)، تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی های سود پیش بینی شده، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱-۱۷.

حساس یگانه، یحیی؛ شعری، صابر؛ خسرو نژاد، سید حسین. (۱۳۸۷)، رابطه سازو کارهای حاکمیت شرکتی، نسبت بدهی ها و اندازه شرکت با مدیریت سود، مطالعات حسابداری، شماره ۲۴، صص ۷۹-۱۱۵.
خلیفه سلطانی، احمد؛ نایب محسنی، شیدا؛ اسفندی، خدیجه. (۱۳۹۳)، حاکمیت شرکتی و تقلب؛ ماهنامه بورس، شماره ۱۱۱، صص ۹-۱۱.

رهنمای رودپشتی، فریدون؛ علی خانی، راضیه؛ مران جوری، مهدی. (۱۳۸۸)، بررسی کاربرد مدل های پیش بینی ورشکستگی آلتمن و فالمر در شرکت بهادار های پذیرفته شده در بورس اوراق تهران؛ بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره شانزدهم، شماره ۵۵، صص ۱۹-۳۴.

سازمان بورس اوراق بهادار. (۱۳۹۱)، منشور کمیته حسابرسی شرکت نمونه (سهامی عام) برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران؛ مصوب ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار.

<http://www.irbourse.com/hesabresi&http://www.tse.ir/>

سازمان بورس اوراق بهادار. (۱۳۹۲)، پیش نویس دستورالعمل راهبری شرکتی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران.

<http://www.irbourse.com/dastoramale rahbari sherkati&http://www.tse.ir/>

سازمان حسابرسی. (۱۳۸۰)، استاندارد حسابداری شماره ۱ ایران، نحوه ارائه صورتهای مالی. <http://www.audit.org.ir/wfmcodificatedstandardview.aspx/>

سازمان حسابرسی. (۱۳۹۴)، استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ ایران، مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب، در حسابرسی صورتهای مالی؛ تجدید نظر شده ۱۳۹۴.

<http://www.audit.org.ir/wfmcodifiedstandardview.aspx/>

ساسانی، علیرضا و شریفی راد، محمد. (۱۳۹۲)، اثربخشی کمیته حسابرسی، مجله حسابرسی، شماره ۶۹، صص ۹۶ - ۱۰۰.

سپاسی، سحر و حسنی، حسن. (۱۳۹۵)، رابطه باورهای معنوی مدیران با رفتار مدیریت سود، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال اول، شماره ۲، صص ۱۷ - ۴۰.

شورورزی، محمدرضا؛ خلیلی، محسن؛ سلیمانی، حمید؛ فروتن، امید. (۱۳۹۴)، ارتباط بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت بر مبنای رگرسیون فازی، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال هفتم، شماره ۵۲، صص ۱۲۱ - ۱۳۹.

صفرزاده، محمدحسین. (۱۳۸۹)، توانایی نسبتهای مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی، فصلنامه دانش حسابداری، شماره ۱، صص ۱۳۷ - ۱۶۳.

قدرتی، حسن و فیضی، سعید. (۱۳۹۴)، تاثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود در بازار بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابرسی، سال چهارم، شماره ۵۸، صص ۲۳۲ - ۲۰۵.

مشایخی، بیبا و شاکری، مهین. (۱۳۹۳)، راهبری شرکتی مفاهیم و مورد کاوی. (چاپ دوم). تهران: انتشارات بورس، صص ۳۵ - ۳۹.

مرادی، جواد؛ رستمی، راحله؛ زارع، رضا. (۱۳۹۳)، شناسایی عوامل خطر مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی از دید حسابرسان و بررسی تأثیر آنها بر عملکرد مالی شرکت، مجله پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره ۱، صص ۱۷۳ - ۱۴۱. منتظری، رقیه و یعقوب، اقدم مزرعه. (۱۳۹۴)، بررسی تاثیر درصد مالکیت مالکان نهادی بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه، اولین کنفرانس بین المللی مهندسی صنایع، مدیریت و حسابداری، بصورت الکترونیکی، موسسه پژوهشی البرز،

https://www.civilica.com/Paper-MAIE01-MAIE01_156.html

منصور، جهانگیر. (۱۳۹۵)، قانون تجارت: با آخرین اصلاحیه ها و الحاقات همراه با مواد ۲۱ الی ۹۳ قانون و آیین نامه پولشویی، قانون تجارت الکترونیکی و ... (چاپ یکصد و چهل و نهم). تهران: انتشارات نشر دیدار.

Alves, S. M. G. 2011. The effect of the board structure on earnings management: evidence from Portugal. *Journal of Financial Reporting and Accounting* 9(2):141-160.

Alzoubi, E. S. S., and M. H. Selamat. 2012. The effectiveness of corporate governance mechanisms on constraining earning management:

- literature review and proposed framework. *International Journal of Global Business* 5(1):17-35.
- Akeju, J. B., and A. A. Babatunde. 2017 Corporate governance and financial reporting quality in Nigeria. *International Journal of Information Research and Review* 4(2):3749-3753.
- Daghani, O., M. Zouhayer, and K. B. H. Mbarek. 2016. Earnings Management And Board Characteristics: Evidence From French Listed Firms. *Account and Financial Management Journal* 1(2):92-110.
- Damagum, Y. M., and E. I. Chima. 2013. The Impact of Corporate Governance on Voluntary Information Disclosures of Quoted Firms in Nigeria: An Empirical Analysis. *Research Journal of Finance and Accounting* 4 (13): 168-179.
- Huang, H.W., and S. Thiruvadi. 2010. Audit committee characteristic and corporate fraud. *International Journal of Public Information Systems* 71-82.
- In'airat, M. 2015. The Role of Corporate Governance in Fraud Reduction - A Perception Study in the Saudi Arabia Business Environment. *Journal of Accounting and Finance* 15(2): 119-128.
- kelin, A. 2002. Audit Committee , Board of Director Characteristics, and Earnings Management. *Journal of Accounting and Economics* 33(3): 375-400.
- Lakshan, I., and N. Wijekoon. 2012. Corporate governance and corporate failure. *Procedia Economics and Finance* 2:191-198.
- Law, P. 2011. Corporate governance and no fraud occurrence in organisations Hong Kong evidence. *Managerial Auditing Journal* 26(6): 501-518.
- Manzaneque, M., A. M. Priego, and E. Merino. 2016. Corporate governance effect on financial distress likelihood: Evidence from Spain. *Revista de Contabilidad – Spanish Accounting Review* 19 (1) : 111–121.
- Pereira, A. N. 2009. Corporate Governance and Quality of Accounting Information: The Relation of Content and Logit Betwing Fiscal Board and Independent auditor opinion in Brazilian Companies Listed at BOVESPA. Working paper, Social Science Research Network Electronic Paper Collection. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1415522>
- Razali, W. A. A. W. M., and R. Arshad. 2014. Disclosure of corporate governance structure and the likelihood of fraudulent financial reporting. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 145: 243 – 253.
- Schipeer, K., and L. Vincent. 2003. Earning Quality. *Accounting Horizons* 17: 99-110.
- Zainal, A., M. F. Rahmadana, and N. B. M. Z. Khairuddin. 2016. Power and Likelihood of Financial Statement Fraud: Evidence from Indonesia. *Journal of Advanced Management Science* 1 (4): 410-415.